



سید محمد حسین حسینی

اشاره:

در بخش نخست این مقاله بیان داشتیم که نامه‌های امامان معصوم علیهم‌السلام و از جمله نامه‌های امام حسین علیه‌السلام گنجینه‌های ماندگار و قابل استفاده برای امروز است. و سپس نامه‌های امام حسین علیه‌السلام به امام حسن مجتبی علیه‌السلام، جعده، معاویه، و یزید را به ترتیب زمانی بررسی کردیم. اینک ادامه بحث را پی می‌گیریم.

۵. نامهٔ اوّل به کوفیان

بعد از مرگ معاویه، مردم کوفه به امام علیه‌السلام نامه‌هایی نوشته و تقاضای قیام کردند، امام پذیرفت و در جواب این

زیبر نوشت: «أَتْنِي بَيْعَةَ أَرْبَعِينَ أَلْفًا يَخْلُقُونَ لِي بِالطَّلَاقِ وَالْعِتَاقِ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ»^۱ به من خبر دادند که چهل هزار نفر از مردم کوفه، با من بیعت کردند و سوگند یاد کرده‌اند که زن طلاق و برده آزاد باشند [اگر عهدشان را شکستند]^۲.

۶. وصیتنامه برای محمد حنفیه

امام علیه‌السلام در نامه‌ای به برادرش «محمد حنفیه» - هنگامی که او را از

۱. تاریخ ابن عساکر، ص ۱۹۴، حدیث ۲۴۹؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۱۱۷.

۲. مرحوم دشتی ذیل نامه را این گونه ترجمه نموده: «سوگند خوردند که آزاد و آزاده زندگی کنند». ظاهراً درست به نظر نمی‌رسد.

رفتن به عراق منع کرد - سفارشات خود را گنجانیده و اهداف قیام عاشورا را بیان داشت تا دست تحریفگران به آن نرسد و آیندگان، راز قیام عاشورا را متوجه شوند:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، هَذَا مَا أَوْصَى بِهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ إِلَى أَخِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ بِإِذْنِ الْحَقِّ أَنْ الْحُسَيْنِ يَتَّهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، جَاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِ الْحَقِّ وَأَنَّ الْعِجَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ آيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا، وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ؛

بنام خداوند بخشنده و مهربان. این وصیت حسین بن علی بن ابی طالب به برادرش محمد، معروف به ابن حنیفه است. حسین گواهی می‌دهد که معبودی جز خدای یگانه نیست و شریک ندارد و اینکه محمد (صلی الله علیه و آله) بنده و رسول خدا است و آیین حق را از سوی حق آورده است و اینکه بهشت و جهنم حق است و قیامت بدون شک به وقوع خواهد پیوست و خداوند، همه کسانی را که در قبرها هستند زنده می‌کند.»

«وَأَنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا

مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرُ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ)؛ [بدانید] من برای سرکشی و خوشگذرانی و فساد و ستم [از مدینه به سوی کربلا] خارج نشدم؛ بلکه فقط برای دنبال کردن اصلاح امتِ جدم [قیام کردم و] خارج شدم و تصمیم گرفته‌ام که امر به معروف و نهی از منکر نمایم و سیره جدم [رسول خدا (صلی الله علیه و آله)] و پدرم علی بن ابی طالب (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) را دنبال نمایم.»

«فَمَنْ قَبِلَنِي بِقَبُولِ الْحَقِّ فَاللَّهُ أَوْلَى بِالْحَقِّ وَمَنْ رَدَّ عَلَيَّ هَذَا أَصْبِرُ حَتَّى يَقْضِيَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَ الْقَوْمِ بِالْحَقِّ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ، وَهَذِهِ وَصِيَّتِي يَا أَخِي إِلَيْكَ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ؛^۱ پس هر کس این حقیقت را از من بپذیرد [و از من پیروی کند]، پس خدا اولای به حق

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹؛ مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۱۸۸؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۸۹؛ حیات الحسین، ج ۲، ص ۲۶۴؛ فتوح ابن اعمش کوفی، ج ۵، ص ۲۳؛ عوالم بحرانی، ج ۱۷، ص ۱۷۹؛ موسوعة کلمات الامام الحسین (علیه السلام)، ص ۲۸۹؛ فرهنگ سخنان امام حسین (علیه السلام)، ص ۵۷۰.

نوشت: «تو را به خدا سوگند می‌دهم که به سوی کربلا و کوفه حرکت نکنی؛ زیرا اگر تو را بکشند نور خدا را در زمین خاموش کرده‌اند، مهلت بدهید و من تلاش می‌کنم تا از یزید برای شما و خانواده تان امان بگیرم.»

حضرت در جواب نوشت: «أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ كِتَابَكَ وَرَدَ عَلَيَّ فَقَرَأْتُهُ وَفَهَمْتُ مَا ذَكَرْتَ وَأَعْلِمُكَ أَنِّي رَأَيْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فِي مَنَامِي فَخَبَّرَنِي بِأَمْرِي وَأَنَا مَاضٍ لَهُ، لِي كَانَ أَوْ عَلَيَّ، وَاللَّهِ يَا بَنِي عَمِّي لَوْ كُنْتُ فِي حُجْرِ هَامَةَ مِنْ هَوَامِّ الْأَرْضِ لَأَسْتَحْرِجُونِي وَيَقْتُلُونِي؛ وَاللَّهِ يَا بَنِي عَمِّي لَيَعْتَدَنَّ عَلَيَّ كَمَا اعْتَدَتِ الْيَهُودُ عَلَيَّ السَّبْتِ وَالسَّلَامِ؛^۱ أَمَّا بَعْدُ [از ستایش خداوند] نامه تو به من رسید و آن را خواندم و آنچه را یادآور شده بودی متوجه شدم و به تو اعلام می‌کنم که من جدّم رسول خدا ﷺ را در خواب دیده‌ام که به امری مرا خبر داد (یعنی شهادتم) که به سوی آن رهسپارم، [خواه] به نفع من باشد و یا به ضررم. به خدا سوگند پسر

است [و از خدا پیروی کرده] و هر کس حق را بر من رد کند [و تخلف نماید]، صبر می‌کنم تا خداوند بین من و این قوم حکم کند که او بهترین حاکمان است. و این وصیت من است به تو ای برادر. و توفیق من جز به خدا نیست، بر او توکل می‌کنم و به سوی او می‌روم.»

خلاصه وصیت نامه

۱. شهادت به توحید، رسالت و قیامت، تافردا امام حسین عليه السلام را به عنوان خارجی و غیر مسلمان معرفی نکنند.
۲. بیان اهداف قیام، که عبارت است از: اصلاح امت، امر به معروف و نهی از منکر، و دنبال کردن سیره پیامبر صلى الله عليه وآله و علی عليه السلام.
۳. دعوت مردم به این قیام و اتمام حجت به آنهایی که دعوت او را لبیک نگویند.

۸. نامه به عبدالله بن جعفر

یکی از کسانی که به امام حسین عليه السلام سفارش کرد که به سمت کربلا و کوفه نرود، عبد الله بن جعفر، شوهر زینب عليها السلام بود. به حضرت

۱. مقتل الحسين خوارزمی، ج ۱، ص ۲۱۷؛ فتوح ابن اعثم کوفی، ج ۵، ص ۷۴؛ فرهنگ سخنان امام حسین عليه السلام، ص ۵۷۱.

می‌رسد، و کسی که تخلف کند به پیروزی نخواهد رسید».

حضرت در این نامه علاوه بر خبر شهادت خود، از شهادت یاران نیز خبر داد و اتمام حجّت جدّی برای بنی هاشم و اعلان خطر برای متخلفین نمود.

۱۰. پاسخ به نامه مسور بن

مخرمه

از جمله کسانی که امام علیه السلام را از رفتن به عراق باز داشت «مسور بن مخرمه»^۲ بود. او نامه‌ای به این شرح نوشت: «مبادا با نامه‌های مردم عراق، مغرور شوی و سخن عبدالله بن زبیر را

عموا! اگر من در لانهٔ جنبنده‌ای از جنبندگان زمین آشیانه کنم، آنها مرا بیرون می‌آورند و می‌کشند. ای پسر عموا! به خدا قسم! بر من ظلم و تعدّی می‌کنند چنان که یهود تعدّی کردند بر [صید ماهی در روز] شنبه، والسلام».

در این نامه حضرت، خبر شهادت قطعی خویش را داد و به جعفر فهماند که امان نامه گرفتن، ثمری ندارد و در هر جا باشد دشمنان او را به شهادت می‌رسانند و حرمت او را مراعات نمی‌کنند.

۹. نامه به بنی هاشم

وقتی امام حسین علیه السلام تصمیم گرفت که از مدینه خارج شود، در جمع «بنی هاشم»، کاغذی خواست، بسیار زود آوردند، حضرت بر آن کاغذ چنین نوشت: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِلَى بَنِي هَاشِمٍ أَمَا بَعْدُ، فَإِنَّهُ مَنْ لَجِقَ بِي مِنْكُمْ أَسْتَشْهِدُ، وَمَنْ تَخَلَّفَ لَمْ يَتَلُغْ مَبْلَغَ الْفَتْحِ وَالسَّلَامِ؛^۱ بنام خداوند بخشندهٔ مهربان، این نامه از حسین بن علی برای بنی هاشم است. اما بعد [از ستایش خدا] پس به راستی هر کس به من [در این قیام] ملحق شود به شهادت

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۳۰ و ج ۴۷، ص ۸۴ و ج ۴۲، ص ۸۱، حدیث ۱۲؛ بصائر الدرجات، ص ۴۸۱، حدیث ۵؛ کتاب لهوف، ص ۲۸؛ عوالم بحرانی، ج ۱۷، ص ۱۷۹؛ کامل الزیارات، ص ۷۵؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۷۶؛ فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۳۹۱؛ موسوعة کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۲۹۵-۲۹۶.

۲. مسور، در سال دوم هجری متولد شده و در سال هشتم به مدینه آمده و رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیده و خاطراتی را از آن حضرت نقل کرده است. در واقعه محاصره مکه در سال ۶۴ هجری همراه با عبدالله بن زبیر [و بر اثر اصابت سنگی] کشته شد. (الاصابة، ج ۳، ص ۴۲۰؛ نامه‌ها و ملاقاتهای امام حسین علیه السلام، ص ۵۹).

فرستادن مسلم بن عقیل، نامه‌ای در پاسخ «مردم کوفه» به دست سعید و هانی فرستاد و مسلم به دنبال این نامه روانه کوفه شد. نامه به این شرح است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنْ حُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، إِلَى الْمَلِكِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ، أَمَا بَعْدُ: فَإِنَّ هَانِيًا وَسَعِيدًا قَدَمَا عَلَيَّ بِكُتُبِكُمْ وَكَانَا آخِرَ مَنْ قَدِمَ عَلَيَّ مِنْ رُسُلِكُمْ وَقَدْ فَهَمْتُ كُلَّ الَّذِي اقْتَصَصْتُمْ وَذَكَرْتُمْ وَمَقَالَةَ جُلُوكُمْ: إِنَّهُ لَيْسَ عَلَيْنَا إِمَامٌ فَأَقْبِلْ، لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يَجْمَعَنَا بِكَ عَلَى الْهُدَى وَالْحَقِّ؛ بِنَامِ خَدَاوَنْدِ بَخْشَنْدِه مَهْرِيَان. از حسین بن علی به سوی گروهی از مؤمنان و مسلمانان، پس از ستایش خدا، همانا هانی و سعید نامه‌های شما را آوردند و این دو نفر، آخرین فرستاده‌های شما بودند. من آنچه را که نوشته بودید و حکایت کردید درک کردم و سخن همه شما این

پذیری و به عراق بروی، مبادا از مکه دور شوی، اگر مردم عراق واقعاً به شما احتیاج دارند، زیر بغلهای شتر بزنند و خود را به زحمت بیندازند تا به خدمت شما رسیده، آن‌گاه با قدرت و امکانات خارج شوید».

امام حسین علیه السلام در پاسخ مسور یک جمله نوشت: «أَسْتَخِيرُ اللَّهَ فِي ذَلِكَ؛ در این رابطه از خداوند طلب خیر می‌کنم تا [آنچه مصلحت من است، همان را عملی سازد].»^۱

۱۱. پاسخ به نامه عمره

«عمرة»^۲ دختر عبدالرحمان بن سعد انصاری به امام حسین علیه السلام نامه نوشت و از او خواست که از حکومت پیروی کند و نوشت که از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده است که «حسین در سرزمین بابل کشته می‌شود».

امام حسین علیه السلام در پاسخ عمره به یک جمله اشاره کرد و فرمود: «لَا بُدَّ إِذًا مِنْ مِضْرَعِي؛ چاره نیست در این هنگام [که خبر از شهادت‌م دادی] جز از [رفتن به] محل شهادت‌م (در کربلا)».^۳

۱۲. نامه دوم به مردم کوفه

حضرت پیش از خروج از مکه و

۱. نامه‌ها و ملاقاتهای امام حسین علیه السلام، ص ۵۹.
 ۲. عمرة در کنار عایشه بود و روایات زیادی را از او نقل کرده است. وفات او را بین سالهای ۹۸-۱۰۳ نوشته‌اند، وی حافظ احادیث زیادی بوده است. (همان، ص ۶۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۱۲، ص ۳۸۹؛ اعلام النساء، ج ۳، ص ۳۵۶).
 ۳. حیاة الحسین، ج ۳، ص ۳۷؛ البدایة و النهایة ج ۸، ص ۱۶۳؛ نامه‌ها و ملاقاتها، همان، ص ۶۶.

بود که: امام و رهبر نداریم؛ به سوی ما بشتاب، شاید خداوند به وسیله تو ما را به هدایت و حق رهنمون سازد».

«وَقَدْ بَعَثْتُ إِلَيْكُمْ أَخِي وَابْنَ عَمَّتِي وَ

ثِقَتِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي مُسْلِمٌ بِنَ عَقِيلٍ وَأَمْرَتُهُ أَنْ

يَكْتُبَ إِلَيَّ بِحَالِكُمْ وَأَمْرِكُمْ وَرَأْيِكُمْ؛ فَإِنْ كُتِبَ

إِلَيَّ أَنَّهُ قَدْ أَجْمَعَ رَأْيَ مَلَئِكُمْ وَدَوَى الْفَضْلِ وَ

الْحَجَجِي مِنْكُمْ عَلَى مِثْلِ مَا قَدِمْتُمْ عَلَيَّ بِهِ

رُسُلِكُمْ وَقَرَأْتُ فِي كُتُبِكُمْ أَقْدِمُ عَلَيْكُمْ وَشَيْكَا

إِنْ شَاءَ اللَّهُ. فَلَعَمْرِي مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْعَامِلُ

بِالْكِتَابِ وَالْأَخْذُ بِالْقَنِطِ، وَالدَّائِنُ بِالْحَقِّ وَ

الْحَابِسُ نَفْسَهُ عَلَى ذَاتِ اللَّهِ وَالسَّلَامُ؛^۱ پس

من برادر و پسر عمویم و فرد مورد

اطمینان خود، از اهل بیتم مسلم بن

عقیل را به سوی شما می فرستم و به او

دستور دادم که احوال و اوضاع و نظر

شما را برایم گزارش کند؛ پس اگر به

من نوشت که نظر جمعیت شما و

شرافتمندان و خردمندان شما همانند

گذشته است که فرستادگان شما گفتند و

در نامه‌های شما خواندم، با سرعت اگر

خدا بخواهد به سوی شما می آیم. به

جانم سوگند! امام نمی تواند باشد مگر

کسی که به کتاب [خدا، قرآن] عمل کند

و طبق عدالت رفتار کند و متدین به

دین حق باشد و نفسش را در محدوده [خواسته‌های] خدا حبس نماید [و تسلیم بی چون و چرای خداوند باشد].»

خلاصه نامه

۱. اعلام این مطلب که، از نامه‌های

شما متوجه شدم که دنبال امام و

پیشوای هدایت‌گر هستید.

۲. اعلام فرستادن مسلم بن عقیل

و تأیید کامل او و اینکه او مورد

اطمینان من است.

۳. به مسلم دستور داده‌ام که

اوضاع و احوال سیاسی و تصمیمات

شما و بزرگان‌تان را بررسی نموده و به

من اعلام نماید.

۴. آمدن من، منوط به این است که

شما به نامه‌ها و گفته‌های خود پای بند

باشید.

۱. اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۵۸۹؛ تاریخ طبری،

ج ۳، ص ۲۷۸ و ج ۷، ص ۲۳۵؛ ارشاد شیخ مفید،

ص ۲۰۴؛ کامل ابن اثیر، ج ۲، ص ۵۳۴ و ج ۳،

ص ۲۶۷؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۳۴؛ عوالم

بحرانی، ج ۱۷، ص ۱۸۳؛ مقتل الحسین

خوارزمی، ج ۱، ص ۱۹۵؛ فرهنگ سخنان امام

حسین علیه السلام، ص ۴۰۲؛ موسوعة کلمات الامام

الحسین علیه السلام، ص ۳۱۲؛ الامام الحسین و اصحابه،

خدا را نصیحت کرد و آنچه بر او ارسال شده بود [به مردم] رساند، و ما از خانواده و دوستان او و جانشینان او و وارثان او و سزاوارترین مردم به جانشینی او در [بین] مردم بودیم. پس قوم مادر خلافت بر ما پیشی گرفتند [و آن را غصب نمودند] پس راضی شدیم و تفرقه را خوش نداشتیم و برای شما سلامت را دوست داشتیم. در حالی که می‌دانیم ما [اهل بیت پیامبر ﷺ] از دیگران که متولی شدند، به این حق (خلافت) سزاوارتریم.

«وَقَدْ بَعَثْتُ إِلَيْكُمْ رَسُولِي بِهَذَا الْكِتَابِ، وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ ﷺ، فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِيتَتْ وَإِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أُحْيِيَتْ وَإِنْ تَسْمَعُوا قَوْلِي وَتَطِيعُوا أَمْرِي أَهْدِيَكُمْ سَبِيلَ الرِّشَادِ وَالسَّلَامِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةَ اللَّهِ؛^۱ اکنون قاصدم را با این نامه به سوی شما فرستادم و من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ می‌خوانم. پس به

۱. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۸۰ و ج ۷، ص ۲۴۰؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۴۰؛ اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۵۹۰؛ اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۵۹۰؛ تاریخ کامل، ج ۴، ص ۲۳؛ فرهنگ سخنان امام حسین علیهما السلام، همان، ص ۴۰۵؛ موسوعة کلمات الامام الحسین علیهما السلام، ص ۳۱۵.

۵. در «امام هدی» شرط است که: عامل به کتاب، مجری عدالت، و تسلیم محض الهی باشد.

۱۳. نامه به بزرگان بصره

برای توسعه انقلاب و ابلاغ پیام قیام، حضرت نامه‌ای به «بزرگان بصره» مانند: مالک بن مسمع بکری، احنف بن قیس، منذر بن جارود عبدی، مسعود بن عمرو، قیس بن هیثم، عمرو بن عبیدالله بن معمر، نوشت و بوسيله «سلیمان بن زرین» ارسال نمود:

«أَمَا بَعْدُ فَإِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى مُحَمَّدًا ﷺ عَلَى خَلْقِهِ وَاکْرَمَهُ بِنَبُوتِهِ، وَاخْتَارَهُ لِرِسَالَتِهِ ثُمَّ قَبَضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَقَدْ نَصَحَ لِعِبَادِهِ وَبَلَغَ مَا أُرْسِلَ بِهِ ﷺ وَكُنَّا أَهْلَهُ وَأَوْلِيَاءَهُ وَأَوْصِيَاءَهُ وَوَرَثَتَهُ وَأَحَقَّ النَّاسِ بِمَقَامِهِ فِي النَّاسِ، فَاسْتَأْذَرَ عَلَيْنَا قَوْمًا بِذَلِكَ فَرَضِينَا وَكَرِهْنَا الْفُرْقَةَ وَأَحْبَبْنَا لَكُمْ الْعَافِيَةَ وَنَحْنُ نَعْلَمُ إِنَّا أَحَقُّ بِذَلِكَ الْحَقِّ الْمُسْتَحَقِّ عَلَيْنَا مِمَّنْ تَوَلَّاهُ؛ پس از ستایش پروردگار، همانا خداوند محمد ﷺ را برای [هدایت] مردم برگزید و با نبوتش او را گرامی داشت و برای رسالتش او را انتخاب کرد، سپس او را به سوی خود برد، در حالی که بندگان

را صید و ذبح نمود. مسلم این قضیه را به فال بد گرفت و نامه‌ای به امام حسین علیه السلام نوشت که او را از رفتن به کوفه معاف دارد.

امام حسین علیه السلام در جواب نوشت:

«يَا بَنَ عَمِّ إِنِّي سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَا مِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ مَنْ تَطَبَّرَ وَلَا يَتَطَبَّرُ بِهِ فَإِذَا قَرَأَتْ كِتَابِي فَمَاضٍ عَلَيَّ مَا أَمَرْتُكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ؛^۱ ای پسر عموا بر راستی من از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدم که می‌فرمود: از ما اهل بیت نیست کسی که فال [بد] بزند و یا مسلمانی را به فال بد بگیرد. وقتی نامه من را خواندی، آنچه دستور داده‌ام انجام بده. سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد.»

۱۵. نامه به فرماندار مکه

فرماندار مکه، «عمر بن سعید» پس از آنکه در ملاقات حضوری با امام حسین علیه السلام نتوانست او را از قسیام

راستی سنت [پیامبر] مرده و بدعتها زنده شده است. پس اگر سخنان مرا بپذیرید و از امر اطاعت کنید، شما را به راهی که رشد [و اصلاح شما در آن] است هدایت می‌کنم. سلام و رحمت خدا بر شما باد.»

نکات مهم نامه

۱. پیامبر، رسالت خویش را به خوبی و کامل انجام داد.
۲. وارثان اصلی خلافت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ما اهل بیت هستیم، ولی عده‌ای این خلافت را غصب کردند.
۳. اثر غصب خلافت، از بین رفتن سنت و زنده شدن بدعتها بود.
۴. دعوت از مردم بصره، برای همراهی حضرت در قیامی است که در پیش دارد.

۱۴. نامه به مسلم بن عقیل

حضرت، «مسلم بن عقیل» را به دنبال نامه دوم، به سوی کوفه فرستاد. مسلم، همراه دو راهنما از قبیله قیس در ماه مبارک رمضان حرکت کرد، در مسیر راه، آن دو نفر بر اثر تشنگی مردند، مسلم صیّادی را دید که آهوئی

۱. بلاغة الحسین، ص ۶۸؛ تاریخ طبری، ج ۵، ص ۳۵۴؛ تاریخ الکامل، ج ۴، ص ۲۱؛ موسوعه، ص ۳۱۴. برخی این نامه را جعلی می‌دانند. برای توضیح بیشتر ر. ک: نامه‌ها و ملاقاتهای امام حسین علیه السلام، همان، ص ۸۰ - ۸۱؛ شریف قریشی، حیاة الحسین علیه السلام، ج ۲، ص ۳۴۳.

۲. به حاکم مکه فهماند که کسی که مردم را به خدا دعوت می‌کند، عملش فتنه‌گری و تفرقه ایجاد کردن به حساب نمی‌آید.

۳. حاکم خواسته برای او از یزید امان بگیرد، و حضرت می‌فرماید: امان خدا برتر از امان دادن بنده است، یعنی به این امان نامه‌ها نیاز ندارم.

۴. به حاکم گوشزد می‌کند که خدا ترس باشد نه یزید ترس؛ چرا که خوف از خدا سعادت دنیا و امنیت آخرت را به دنبال دارد.

۱۶. نامه سوّم به کوفیان

وقتی کاروان امام حسین علیه السلام به سرزمین «حجاز» رسید، نامه‌ای به «مردم کوفه» نوشت و آن را توسط «قیس بن مسهر» صیداوی فرستاد:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِلَى إِخْوَانِهِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ، سَلَامٌ عَلَيْكُمْ، فَأَتَى أَحْمَدَ إِلَيْكُمْ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا

منصرف کند، نامه‌ای به امام نوشت و در آن نامه به امام سفارش کرد که با یزید صلح کرده و از تحرّکات سیاسی دست بردارد. حضرت در پاسخ او نوشت: «إِنْ كُنْتَ أَرَدْتَ بِكِتَابِكَ إِلَيَّ بَرِيٍّ وَصَلْتِي فَجَزَيْتَ خَيْرًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَإِنَّهُ لَمْ يُشَاقِقِ اللَّهَ مَنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَخَيْرُ الْأَمَانِ أَمَانُ اللَّهِ، وَلَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ مَنْ لَمْ يَخَفْهُ فِي الدُّنْيَا فَتَسْأَلِ اللَّهَ مَخَافَةً فِي الدُّنْيَا تَوْجِبُ لَنَا أَمَانَ الْآخِرَةِ عِنْدَهُ»^۱ اگر هدف از نوشتن نامه، نیکی و پیوند دوستی است، خدا جزای دنیا و آخرت به تو عنایت کند؛ زیرا دشمنی با خدا نکرده است کسی که [مردم را] به خدا دعوت کند و عملی صالح انجام دهد و [کسی که] بگوید من از مسلمانان هستم. و بهترین امان، امان خدا است و ایمان به خدا نیاورده است کسی که از خدا در دنیا نمی‌ترسد، پس از خدا می‌خواهیم ترسیدن [از خودش] را در دنیا که مایه امان آخرت در نزد او است.»

خلاصه نامه

۱. در نوشتن نامه اگر انسان، نیت خیر داشته باشد جزای آخرتی دارد.

۱. تاریخ ابن عساکر، ترجمة الامام الحسين علیه السلام، ص ۲۰۳؛ البداية والنهاية، ابن كثير دمشقى شافعى، (م، ۷۷۴ هـ) ج ۸، ص ۱۷۶؛ فرهنگ سخنان امام حسين علیه السلام، همان، ص ۳۹۹-۴۰۰.

يُحْسِنَ لَنَا الصَّنِيعَ وَأَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ عَلَى ذَلِكَ أَغْظَمَ
الْأَجْرِ، وَقَدْ شَخَّضْتُ إِلَيْكُمْ مِنْ مَكَّةَ يَوْمَ
الثَّلَاثَاءِ لِثَمَانِي مَضِينَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ يَوْمَ
التَّرْوِيَةِ، فَإِذَا قَدِمَ عَلَيْكُمْ رَسُولِي فَانْكَمِشُوا
أَمْرَكُمْ وَجِدُوا فَإِنِّي قَادِمٌ عَلَيْكُمْ فِي أَيَّامِي هَذِهِ
إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَ
بَرَكَاتُهُ،^۱ به نام خداوند بخشنده مهربان،
از حسین بن علی به سوی برادران
مؤمن و مسلمانان. سلام بر شما. پس
براستی در رابطه با شما خدای یگانه را
ستایش می‌کنم. نامه مسلم بن عقیل را
دریافت نمودم که خبر داده بود از نظر
نیکوی شما و همبستگی شما برای
یاری ما و گرفتن حق ما، پس، از
خداوند می‌خواهم که با ما نیکو رفتار
کند و شما را نیز بر این [یاری]
بزرگترین پاداش عنایت کند. من در
روز سه شنبه هشتم ذی حجه، «روز
ترویّه» از مکه به سوی شما خارج
شدم، پس هر وقتی که نماینده من نزد

نامه‌های حضرت، بیشتر بر
دو محور دور می‌زند: ۱.
نامه‌هایی که اهداف قیام
کربلا را تبیین می‌کند. مثل
اصلاح امت، امر به معروف
و نهی از منکر، و ادامه
روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و
زنده نمودن حق.

۲. نامه‌هایی که از مردم
برای همراهی و همیاری
قیام عاشورا دعوت می‌کند،
مانند: دعوت از مردم بصره
و کوفه و افرادی چون حبیب
بن مظاهر و....

۱. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۰۱، و ج ۷، ص ۲۸۹؛
ارشاد شیخ مفید، ص ۲۲۰؛ بحار الأنوار، ج ۴۴،
ص ۳۱۹؛ عوالم بحرانی، ج ۱۷، ص ۲۱۹؛ بدایه و
نهایه، ج ۸، ص ۱۸۱؛ میسر الأحزان، ص ۴۲؛
فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۴۳۲.

هُوَ أَمَا بَعْدُ فَإِنَّ كِتَابَ مُسْلِمِ بْنِ عَقِيلٍ جَاءَنِي
يُخْبِرُنِي فِيهِ بِحُسْنِ رَأْيِكُمْ، وَاجْتِمَاعِ مَسَلَّتِكُمْ
عَلَى نَصْرِنَا، وَالطَّلَبِ بِحَقَّقْنَا، فَسَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ

طالب إلى الرجلِ الفقيه «حبيب بن مظاهرٍ ما بعد يا حبيب، فأنت تعلم قرابتنا من رسول الله وأنت أعرف بنا من غيرك وأنت ذو شئمةٍ وغيرةٍ فلا تبخل علينا بنفسك، يُجازيك رسول الله يوم القيامة»^۱ از حسین بن علی ابی طالب علیه السلام به مرد فقیه [و فهمیده و دارای بصیرت] حبيب بن مظاهر. ای حبيب! تو قرابت ما را به پیامبر صلی الله علیه و آله می دانی و تو بهتر از دیگران ما را می شناسی و تو شخص دارای اخلاف نیک و [آزاد مرد] و غیرتمندی هستی، از جان خود بر ما مضایقه مکن، رسول خدا صلی الله علیه و آله در قیامت پاداش آن را به تو خواهد داد».

رؤیای صادق

در باره حبيب، سخن بسیار است. در این بخش، فقط به نقل رؤیایی از «شیخ جعفر شوشتری» بسنده می کنیم. «شیخ جعفر شوشتری» بعد از مراجعت از نجف اشرف به موطن خود، قدرت بر اداره منبر و جلسات

شما رسید، خود را آماده سازید و تلاش و جدیت کنید، که در همین روزها اگر خدا بخواهد بر شما وارد می شوم. و سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد».

خلاصه نامه

۱. حرکت امام حسین علیه السلام از مکه و تبدیل حج تمتع به عمره مفرده.
۲. رسیدن گزارش مسلم بن عقیل و تجمع مردم برای نصرت و یاری امام حسین علیه السلام.
۳. آمادگی مردم برای ورود حضرت به کوفه.

قابل ذکر است که این نامه، به دست کوفیان نرسید؛ زیرا «قیس» توسط راهدارهای عبیدالله، دستگیر شد و او نامه را جوید تا اسرار آن فاش نشود و به همین علت او را به شهادت رساندند.

۱۷. نامه به حبيب بن مظاهر

بعد از شهادت مسلم، حضرت دوازده پرچم برافراشت، هر کدام را به دست فردی داد، و دوازدهمی را نگهداشت، فرمود: صاحب آن می آید. لذا نوشت: «مِنَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي

۱. معالی السبطين، ج ۱، ص ۲۲۸؛ نامه و ملاقاتهای امام حسین علیه السلام، همان، ص ۹۵؛ ر.ک: ادب الحسين علیه السلام، بلاغة الحسين علیه السلام و فرسان الهيجا.

از کربلا برای جمعی از بنی هاشم و برادرش محمد حنفیه نوشته است، این است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَمَّا بَعْدُ: فَكَانَ الدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ وَكَانَ الْآخِرَةُ لَمْ تَزَلْ وَ السَّلَامُ^۲؛ به نام خدای بخشنده مهربان، اما بعد، پس گویا دنیایی نبوده و گویا آخرت همیشه بوده است».

نکات نامه

۱. دیدگاه حضرت نسبت به دنیا، که باید همه آن را آن قدر زودگذر بدانند که گویا اصلاً وجود ندارد.

۲. دیدگاه حضرت نسبت به آخرت، این است که گویا از اول هر چه بوده آخرت بوده و در حقیقت دنیا هم مزرعه آخرت است.

در یک جمع بندی می توان گفت: که حضرت امام حسین علیه السلام تا زمانی که برادرش امام حسن علیه السلام زنده بود، تلاش کرد از یک طرف، در نامه هایی

و عطا را نداشت، لذا در ماه رمضان، از روی «کتاب تفسیر» و در ماه محرم از کتاب «روضه الشهداء» برای مردم می خواند، بعد از یک سال شبی به فکر می رود که تا کی صحفی باشم و از رو برای مردم منبر بروم؟ در اثنا به خواب می رود، در عالم رؤیا می بیند که در صحرای کربلا مقابل خیمه امام حسین علیه السلام است. می گوید وارد خیمه امام شدم و سلام کردم، آن حضرت مرا نزدیک خود طلبید و به «حبيب بن مظاهر» فرمود: «فلانی مهمان ماست و آب هم که نداریم، ولی مقداری آرد و روغن هست برخیز و از اینها طعامی درست کن.»

«حبيب» طعام را آماده کرده و نزد من نهاد و من چند قاشق خوردم و بیدار شدم و در اثر این عنایت زبانم گویا شد. تا آنجا که ساکنان آسمانها غبطه مجالس شیخ جعفر را می خوردند.^۱

این رؤیای صادقانه نشان می دهد که حبيب در آن عالم نیز جزء همراهان و مأموران امام حسین علیه السلام می باشد.

نامه‌ای به محمد حنفیه و بنی

هاشم

آخرین نامه‌ای که امام حسین علیه السلام

۱. فوائد الرضوية، شیخ عباسی قمی، ص ۶۷؛ نامه‌ها و ملاقاتهای امام حسین علیه السلام همان، ص ۹۶.

۲. کسامل الزیارات، اسن قولویه، مکتبه المرتضویة، النجف الاشراف، باب ۲۳؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۸۷؛ الامام الحسین علیه السلام و اصحابه، فضلعلی قزوینی، ص ۶۶.

همراهی و همیاری قیام عاشورا دعوت می‌کند، مانند: دعوت از مردم بصره و کوفه و افرادی چون حبیب بن مظاهر و....

از مجموع نامه‌ها در کنار سخنان و گفته‌های آن حضرت می‌توان نتیجه گرفت که «قیام عاشورا» با زمینه‌های فراوان و تلاش‌های چندین ساله امام حسین علیه السلام همراه بوده است. گفت ای گروه، هر که ندارد هوای ما سرگیرد و برون رود از کربلای ما ناداده تن بخواری و ناکرده ترک سر

نتوان نهاد پای بخلوتسرای ما تا دست و رو نشست بخون می‌نیافت کس راه طواف بر حرم کربلای ما... همراز بزم ما نبود طالبان جاه بیگانه باید از دو جهان آشنای ما بسرگردد آنکه با هوس کشور آمده سرناورد به افسر شاهی گدای ما ما را هوای سلطنت ملک دیگر است کاین عرصه نیست در خور فرّ همای ما یزدان ذوالجلال بخلوتسرای قدس آراسته است بزم ضیافت برای ما^۱

۱. شکوفه‌های ولایت، سید خلیل شبیری، شعر از حجة الاسلام نیر، ص ۱۷۸.

از مجموع نامه‌ها در کنار سخنان و گفته‌های آن حضرت می‌توان نتیجه گرفت که «قیام عاشورا» با زمینه‌های فراوان و تلاش‌های چندین ساله امام حسین علیه السلام همراه بوده است.

به شیعیان، آنها را در تأیید صلح امام حسن علیه السلام متقاعد نماید و از طرف دیگر با نامه‌های متعدد علیه معاویه و یزید، از نقشه‌های شوم و جنایات آنها پرده بردارد.

اما بعد از شهادت امام حسن علیه السلام نامه‌های حضرت، بیشتر بر دو محور دور می‌زند: ۱. نامه‌هایی که اهداف قیام کربلا را تبیین می‌کند. مثل اصلاح امت، امر به معروف و نهی از منکر، و ادامه روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و زنده نمودن حق.

۲. نامه‌هایی که از مردم برای